

## تمرین چهارم درس مبانی مدیریت

### بررسی یک تحقیق علمی در مورد

### تأثیر جنسیت بر مدیریت و شیوه های مدیریتی

محمدرضا محمودی منش

8131059

عنوان مقاله مورد بررسی:

#### ON THEIR OWN TERMS? GENDERED RHETORIC VERSUS BUSINESS BEHAVIOR IN SMALL FIRMS

نویسندگان:

Jennifer Cliff, Nancy Langton, Howard Aldrich

منبع:

Available URL: <http://www.womensbusinessresearch.org/bestpaper2003>

November 12, 2003

Jennifer Cliff, Nancy Langton, Howard Aldrich ، نویسندگان این مقاله موفق به دریافت جایزه سالیانه بهترین مقاله در مورد کارآفرینی زنان از سوی مرکز تحقیقات کسب و کار زنان (*Center for Women's Business Research*) در واشینگتن شده اند. مقاله آنها به بحث در مورد فرضیات رایج در مورد شیوه های مدیریتی زنان و تفاوت ها و شباهت های آن با روشهای مدیریتی مردان می پردازد. این مطالعه یکی از معدود مواردی است که با دقت به کاوش در تفاوت ها و شباهت های روشهای مدیریتی مردان و زنان می پردازد. در انتهای این مقاله نویسندگان بیان می کنند که تقریباً هیچ گونه تفاوتی بین روش های مدیریتی مردان و زنان وجود ندارد.

ویژگی های مثبتی که باعث شدند تا این مقاله به عنوان بهترین مقاله جایزه سالیانه را دریافت کند عبارتند از افزایش فهم و درک از رفتارها و شخصیت های زنان گرداننده کسب و کار و شناسایی ویژگی های تشکلات اقتصادی آنها، و نیز افزایش دید صاحبان نظران در این حوزه تحقیقاتی.

نویسندگان سعی کرده اند تا با این عقیده که مردان و زنان، هر یک کلیشه های مدیریتی خاص خودشان را دارند مبارزه کنند. نتایج تحقیقات آنها نشان می دهد که مدیر یک مؤسسه چه زن باشد و چه مرد ترکیبی از روشهای مردانه و زنانه را در مدیریت به کار می برد. گرچه اکثر مردان و زنان که کارهای مدیریتی را بر عهده دارند معتقدند که روشهای خاص خود را در مدیریت به کار می برند اما در عمل چنین رفتار نمی کنند.

در پایان نویسندگان سؤالاتی را نیز مطرح می کنند و به محققان اهمیت تحقیق بیشتر در این زمینه را یادآوری می نماید.

پاسخ به این سؤال همواره یکی از جذابترین موضوعات برای محققین بوده است که "آیا زنان و مردان در مدیریت از روشهای متفاوتی استفاده می کند یا خیر؟" در رابطه با همین موضوع دو جبهه عقیدتی مختلف به وجود آمده اند. یک گروه کسانی هستند که عقیده دارند زنان و مردان در مدیریت متفاوتند و زن یک نقش مکمل در این میان بازی می کند و لذا در صورتی که چنین موضوعی اثبات شود می توان امیدوار بود که زنان حضور فعالانه تری در امور مدیریتی پیدا کنند. دسته دیگر معتقدند که شیوه های مدیریتی زنان و مردان بسیار به هم شبیه است.

نویسندگان مذکور معتقدند که این دو اظهار نظر به دلیل این که بسیار متضاد هستند، سازنده نمی باشند. پاسخ به این سؤال با انجام تحقیقات بی ثمر همراه بوده است و به پرسش های اساسی در مورد تفاوت زن و مرد از منظر جهانی و عمومی انجامیده و روند تحقیق را از مسیر اصلی خود منحرف کرده است. آنان بر این عقیده اند که سؤال سازنده تری را می توان این گونه مطرح کرد: "در چه شرایطی مردان و زنان در امور مدیریتی شبیه به هم رفتار می کنند و در چه شرایطی بر خلاف هم؟" علاوه بر آن محققان نویسنده این مقاله توجه خود را بر روی کسب کارهای خصوصی متمرکز کرده اند تا مدیریت سازمان های دولتی. زیرا در این گونه مؤسسات، اثر واقعی و اصلی جنسیت بهتر آشکار می شود.

این مقاله به سه قسمت تقسیم می شود: در بخش اول فرض های فعلی در این زمینه مطرح شده اند. در بخش دوم، روشهای تست کردن این فرض ها و نتایج این بررسی ها بیان شده است. در قسمت سوم به دو سؤال مربوط به بحث جاری پرداخته می شود: اول اینکه چرا مردان و زنان عموماً در مدیریت تفاوت چندانی ندارند؟ دومین پرسش این که چرا مردان و زنان هر یک به طور جداگانه معتقدند که در حال اعمال شیوه مدیریتی خاص خود هستند یا این که قصد چنین کار را دارند، ولی در عمل شواهد چیز دیگری را نشان می دهند؟ در نهایت هم یک نتیجه گیری در مورد خود تحقیق و ویژگی ها و محدودیت های آن مطرح شده است.

نویسندگان چهار فرض در روشهای مدیریتی مردان و زنان را با استناد به مقالات و تحقیقات قبلی انجام شده توسط دیگران به تفصیل شرح می دهند و در بخش بعدی به تست هر یک از آنها می پردازند. این بررسی ها عمدتاً با تهیه پرسشنامه هایی از مدیران مؤسسات مختلف انجام شده است. تهیه این پرسشنامه ها به صورت حضوری بوده و بین پنجاه تا هشتاد دقیقه زمان بردند، و همه پرسش شوندهگان نیز تأیید کرده بودند که سمت اصلی و تراز اول را در سازمان خود در اختیار دارند. در مجموع 574 مؤسسه مختلف در این بررسی ها شرکت داشته اند.

در این تحقیق برای بررسی سبک مدیریت مدیر و ویژگی های سازمانی متغیرهای مختلقی با شیوه های مخصوص به هر یک بررسی شده اند. به عنوان مثال برای بررسی میزان عمودی بودن ساختار سازمان، محققان اختلاف سطح بین بالاترین مقام سازمان و پایین ترین عضو مؤسسه را به عنوان متغیر مربوطه در نظر گرفته اند. برای بررسی میزان توجه به زنان، از دو منظر به سازمان توجه شده است: میزان نیروی انسانی زن موجود در سازمان و میزان توجه و امکانات رفاهی که در اختیار زنان قرار می گیرد. در نهایت این فاکتورها با مردان نیز مقایسه شده اند. به عنوان مثالی دیگر، برای عددی کردن اندازه سازمان تعداد کل کارکنان تمام وقت و مدیران و نصف تعداد کل کارکنان پاره وقت با هم جمع شده اند.

نویسندگان مقاله با ارائه جداول و آمار مستند و بررسی تمام سازمان های مورد آزمایش به این نتیجه رسیدند که مردان و زنان در مدیریت بسیار به هم شبیه هستند.